



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال نهم / شماره ۳۵ / پائیز ۱۳۹۹

تدوین مدل ارزیابی کیفیت افشای اختیاری

خدیجه ربیعی

دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران
k.rabiee@ut.ac.ir

کاوه مهرانی

دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
K.mehrani@ut.ac.ir

آرش تحریری

استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران
arashtahriri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل ارزیابی کیفیت افشای اختیاری اطلاعات بصورت بومی است، با این دیدگاه که ابزارهای بکارگرفته شده در پژوهش‌های داخلی به دلیل داشتن منشا خارجی و تمرکز بر تعداد افشا نمی‌تواند معیار مناسبی برای اندازه‌گیری کیفیت افشای اطلاعات باشد، لذا ارائه ابزاری جدید لازم و ضروری است. روش پژوهش حاضر بصورت کیفی و داده‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه افشا جمع‌آوری گردید. در پژوهش حاضر متن مصاحبه‌های اولیه با توجه به اهداف پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفت. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش شش‌گانه تحلیل تم استفاده شده است. نتایج نشان داد برای ارزیابی کیفیت افشای اختیاری باید نه‌عامل، نحوه دسترسی به اطلاعات (منابع رسمی و غیر رسمی)؛ شکل ارائه اطلاعات؛ حجم ارائه اطلاعات؛ توجه به نوع صنعت و استفاده کنندگان اطلاعات؛ دارا بودن ویژگی‌های کیفی اطلاعات؛ ارائه اطلاعات مقایسه‌ای؛ ارائه آماره‌های غیرمالی؛ ارائه اطلاعات تحلیلی؛ ارائه اطلاعات آتی شرکت به ترتیب مد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: افشای اختیاری، ارزیابی کیفیت، تحلیل تم.

۱- مقدمه

در سال‌های کنونی عدم رضایت سرمایه‌گذاران و بازارهای مالی از گزارشگری مالی الزامی شرکت‌ها، موجب افزایش تقاضا جهت تهیه و ارائه داوطلبانه اطلاعات جامع در ارتباط با راهبردهای بلندمدت و عملکرد مدیران گردیده است. این عدم رضایت، مورد نظر انجمن‌های علمی، مقامات قانونی و حرفه‌ای سراسر دنیا نیز قرار گرفته است (بوسو و کومار^۱، ۲۰۰۷). راهبرد افشای داوطلبانه اطلاعات، نقش پر اهمیتی در کم نمودن تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی دارد و می‌تواند میزان اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و موجب بهبود نقدشوندگی سهام و کاهش هزینه سرمایه و افزایش سودآوری می‌گردد (میک و همکاران^۲، ۱۹۹۵؛ کریستندال و بوتیس^۳، ۲۰۰۷). این افشاء و افزایش شفافیت اطلاعاتی ناشی از آن یکی از زیرساخت‌های بسیار مهم توسعه اقتصادی در کشورها به حساب می‌آید (پارسیان و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۹).

تحقیقات در حوزه افشا در سه بعد اصلی صورت می‌گیرد، اولین بعد و شاید اصلی‌ترین بعد آن، اندازه‌گیری و سنجش سطح و کیفیت افشا است. بدین منظور چک لیست‌های متعددی برای اندازه‌گیری سطح افشای اختیاری توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده است (سوکتومویا^۴، ۲۰۱۱؛ ورگیس^۵، ۲۰۱۱؛ بینه^۶، ۲۰۱۲). در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی در این خصوص انجام شده و عمدتاً با مبنا قرار دادن چک لیست‌های تهیه شده در پژوهش‌های خارجی اقدام به اندازه‌گیری سطح کیفیت افشای اختیاری نموده‌اند و البته در پاره‌ای از موارد تعدیلات نیز انجام شده است که از مهمترین و پرکاربردترین آنها می‌توان به چک لیست تنظیم شده توسط بوتوسان^۷ (۱۹۹۷) اشاره کرد که کاشانی پور و همکاران در سال ۱۳۸۸ تعدیل و مورد استفاده قرار داده‌اند و بعد از آن مطالعات مختلفی این چک لیست را مبنای بررسی‌های خود قرار داده‌اند.

مطابق تئوری‌ها و نظریات مرتبط با افشا، همچون تئوری نمایندگی، تئوری علامت‌دهی، تئوری نیاز سرمایه^۸ و تئوری مشروعیت انتظار بر این است که شرکت‌های دارای افشای با کیفیت، نسبت به سایر شرکت‌ها دارای عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه و مدیریت سود کمتر و نقدینگی، دسترسی به منابع مالی، حجم معاملات و بازده سهام بیشتری داشته باشند، اما مرور مطالعات مرتبط و مختلف، نشان از وجود نتایج بسیار متناقض و عمدتاً خلاف نظریات ارائه شده در زمینه افشا و علل افشا است. اینکه در ایران افشای اختیاری نتواند مزایای مورد انتظار از آن را تحقق بخشد، لزوم افشای اطلاعات و منافع مورد

انتظار از آن را زیر سؤال می‌برد، از این رو وجود چنین نتایج متناقضی، احتمال ناقص بودن، مفید نبودن و بی‌اعتبار بودن ابزار سنجش کیفیت افشای اختیاری را تقویت می‌کند، بطوریکه برتا و بوزولان^۹ (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند که مدیران در زمینه افشای اطلاعات به صورت نمادین عمل می‌کنند و ابزارهای مبتنی بر چک لیست نمی‌توانند نمادین بودن یا نبودن گزارش‌ها را تشخیص دهند، چراکه علیرغم افشای اطلاعات در حوزه خاص، کیفیت افشای شده نمی‌تواند به سرمایه‌گذاران در تسهیل فرایند تصمیم‌گیری کمک کند. آنها با یک رویکرد انتقادی، ابزار سنجش کیفیت افشای شده را بر مبنای متن کاوی ارائه دادند، که این ابزار، عمق کیفی افشای افشا شده را بررسی و امتیازدهی می‌کند.

برتا و بوزولان (۲۰۰۴) معتقد هستند که افشای اطلاعات توسط مدیران در برخی از گزارشات حالت نمادین داشته و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند استفاده مفیدی از افشای افشا شده داشته باشند. نتایج حاصل شده در ایران و یافته‌های برتا و بوزولان (۲۰۰۴) این فرضیه را تقویت می‌کند که چک لیست‌هایی که در پژوهش‌های داخلی برای سنجش سطح کیفی افشای اطلاعات مورد استفاده می‌گیرد ممکن است به دو دلیل عملکرد خوبی نداشته باشند، اول اینکه اکثر چک لیست‌های مورد استفاده در پژوهش‌های داخلی مبنای خارجی داشته و مطابق با قوانین و دستورالعمل‌ها و نیازها و رهنمودهای داخلی نیست و دوم، چک لیست‌های طراحی شده فقط بر مبنای افشا و عدم افشای اطلاعات مورد نظر است و تنها تعداد افشا را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند اینک افشای اطلاعات تا چه حد کامل و شفاف و در مجموع با کیفیت افشا شده است مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، از این رو سنجش کیفی افشای اختیاری اطلاعات و بررسی انتظارات تئوریه‌ها از اهداف این پژوهش است.

مدیران دارای اطلاعات بیشتر و درک بهتری در رابطه با عملکرد آتی هستند، و برخی از آنها با در نظر گرفتن هزینه و منافع بالقوه افشای اطلاعات، اقدام به افشای اختیاری اطلاعات می‌کنند. در این راستا استراتژی افشای اطلاعات نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی دارد (ورگیس، ۲۰۱۱؛ بینه، ۲۰۱۲). تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که افشا و شفافیت بیشتر، منافع متعددی برای شرکت‌ها به دنبال خواهد داشت. از جمله مهمترین آنها، هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت مالی محسوب می‌شود که منجر به افزایش قدرت نقدشوندگی سهام شرکت و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران و برای جامعه می‌گردد

و مناسب و گردآوری بسیار دشوار اطلاعات، بسیار کم و در عین حالی نتایج منسجمی مشاهده نشده است.

تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران به لحاظ کیفیت همواره وابسته به کیفیت افشا گزارشات منتشر شده توسط شرکتهاست، و در این میان یکی از مسائل اصلی پژوهشگران تبیین معیار و ابزاری مطلوب برای سنجش کیفیت افشا و شناسایی گزارشات با کیفیت بالا می‌باشد. افشا اختیاری که دربرگیرنده اطلاعات اضافی و تکمیلی اطلاعات اصلی (که با عنوان صورت‌های مالی شناخته شده است) می‌باشد، این اطلاعات به خوانندگان کمک می‌کند که برخی از اطلاعات مبهم و غیر شفاف را با جزئیات بیشتر ارائه دهند و جنبه‌های مبهم آن را روشن سازند تا استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران با درصد اطمینان بیشتری تصمیمات خود را انجام دهند. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تم و استفاده از ابزار مصاحبه برای گردآوری نظرات مصاحبه‌شوندگان با مبنا قرار دادن مطالعه برتا و بوزولان (۲۰۰۴) معیارهای مهمی که می‌تواند در اندازه‌گیری کیفیت افشا اختیاری مفید واقع شود شناسایی و این مدل در مرحله ابتدایی به چگونگی افشا که همانا کیفیت اطلاعات افشا شده است، توجه دارد.

وجود پژوهش‌های متعددی که نتوانسته‌اند ارتباط معناداری با آنچه که تئوری‌ها و نظریات از شرکت‌های با کیفیت بالا انتظار دارند بیانند، اهمیت تغییر ابزار سنجش کیفیت افشا را افزایش می‌دهد. این اهمیت در ایران با توجه به ناکارایی بازار، وجود رانتهای اطلاعاتی شدید، عدم تقارن اطلاعاتی بالا افزایش می‌یابد. مدل و معیاری که بتواند به سرمایه‌گذاران در دسته‌بندی و تفکیک شرکت‌های دارای افشای اختیاری با کیفیت کمک کند، موجب کاهش خطا در تصمیمات سرمایه‌گذاری و سرازیر شدن سرمایه‌ها در شرکت‌های در حال رشد و سلامت مالی می‌شود، این نتیجه منجر به تشویق سایر شرکت‌ها برای افشای مناسب اطلاعات در جهت افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و بهبود کارایی بازار سرمایه می‌شود. از این‌رو در این پژوهش با استفاده از نظرات صاحب‌نظران، ابزار و شاخص جدید برای اندازه‌گیری کیفیت افشا اختیاری ارائه می‌شود، تا ابزاری متناسب با شرایط بومی کشور ارائه و مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اهداف پژوهش و فرضیاتی که در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر ارائه شده است، انتظار بر این است که معیار ارائه شده بر مبنای تحلیل تم که به اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری با استفاده از نظرات صاحب‌نظران داخلی و با در نظر گرفتن شرایط داخلی ارائه می‌شود، نسبت به سایر روش‌های مورد استفاده در پژوهش‌های داخلی، مطابقت بیشتری با تئوری‌ها و نظریات

(رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳، ۳۷). اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از ابعاد اصلی تحقیقات در حوزه افشای اختیاری است، که به منظور اندازه‌گیری دقیق آن، در ادبیات مرتبط، از ابزار چک لیست استفاده می‌شود که بایستی ابتدا چک لیستی مناسب تهیه و اطلاعات آن تعیین و سپس با تعیین نمره هر یک از اقلام آن، شاخص افشا محاسبه می‌شود. در افشاء اجباری اطلاعات موجود در چک لیست بر حسب موارد ذکر شده در استانداردهای حسابداری تعیین می‌شود و در افشای اختیاری این ابزار خودساخته از مرور رهنمودهای مجامع حرفه‌ای حسابداری و ادبیات موجود در این حوزه حاصل می‌شود، شاخص افشا از تقسیم امتیاز افشای اختیاری شرکت بر حداکثر نمره افشای اختیاری قابل کسب حاصل می‌گردد و نهایتاً شرکت‌های دارای بیشترین امتیاز به عنوان شرکت‌های دارای کیفیت افشای بهتر شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند (گولپند و فردریک^۱، ۱۹۶۸؛ کوک^۱، ۱۹۸۹).

مطابق تئوری‌ها و نظریات مرتبط با افشا، انتظار بر این است که شرکت‌های دارای کیفیت افشای خوب دارای محیط اطلاعاتی متقارن‌تر (تئوری نمایندگی)، حجم معاملات بیشتر (تئوری علامت دهی)، محدودیت تامین مالی کمتر (تئوری نیاز به سرمایه)، و در نتیجه بازدهی بهتری باشند. علی‌رغم تحقیقات بسیار کم و ضعیف در این خصوص در داخل، نتایج در بین مطالعات انجام شده نیز بسیار متناقض است، برخی از مطالعات، شرکت‌های دارای کیفیت افشای اختیاری را دارای بازده بهتری یافته‌اند (ولی پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۲) و برخی چنین نظری نداشته و شواهدی مناسبی در این خصوص پیدا نکرده‌اند (اسمعیل زاده مقری و احمدشعربافی، ۱۳۸۹، ۶۹). همچنین خواجهی و علیزاده‌طلاتیپه (۱۳۹۲) با استفاده از چک لیست بوتوسان (۱۹۹۷) تعدیل شده توسط کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۸)، هیچ ارتباط معناداری بین سطح افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعات مشاهده نکردند، خواجهی و همکاران (۱۳۹۳) در ادامه مطالعات خود با مبنا قرار دادن رتبه‌بندی سازمان بورس از کیفیت افشا، روابط و تاثیرات معناداری بین کیفیت افشا و هزینه‌های نمایندگی مشاهده نکردند. البته کردستانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز برخلاف نتایج خواجهی ارتباط معکوس و معناداری بین کیفیت افشا اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی مشاهده کردند. نتایج برای حجم معاملات و محدودیت تامین مالی نیز بصورت متناقض و ضعیف مشاهده شده است، که در مجموع تعداد مطالعات انجام شده در زمینه افشا اختیاری به جهت نبود سیستم گزارشگری جامع

و قدرت ذینفعان بر روی رویه‌های افشای اطلاعات تاثیر دارند.

۳) پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهند که افشا و شفافیت بالاتر، منافع مختلفی برای شرکت‌ها در پی دارد. از جمله مهمترین آنها، هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. افشای اجباری و اختیاری یکی از ابزارهای شفافیت مالی به حساب می‌آید که منجر به افزایش قدرت نقدشوندگی سهام و در نتیجه خلق ارزش برای سهامداران شرکت و جامعه می‌گردد (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳؛ ۳۶).

با در نظر داشتن تفکیک مقوله مالکیت از مدیریت و وجود اهداف متناقض میان نماینده و کارگزار و همچنین برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت افشاء و شفافیت مطلوب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی در برابر عموم و افراد ذینفع، وجود سازوکارهای راهبردی شرکتی مطلوب، ضروری به نظر می‌رسد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که سیاست‌های افشای مدیران شرکت‌ها از ساختار مالکیتی شرکت و سیستم‌های راهبردی آن تاثیر می‌پذیرد (بیک و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۱، ۴۲). مطالعات انجام شده توسط برخی دانشمندان نشان دهنده این است که راهبردی شرکتی رابطه مثبتی با بهبود افشای داوطلبانه به عموم داشته است. به نحوی که اعضای مستقل هیات مدیره تمایل بیشتری برای اعمال نظارت و کنترل مدیران به جهت فراهم آوردن منافع همه سهامداران دارند (کارامانو و وایس^{۱۴}، ۲۰۰۵؛ اجینکیا و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر با توجه به فرآیند افشای اطلاعات، سرمایه‌گذاران با مشکل عدم تقارن اطلاعاتی روبرو هستند. این مشکل زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین معامله دارای اطلاعاتی بیش از طرف مقابل باشد. عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران ممکن است موجب ارزش‌گذاری اشتباه شرکت شده و انگیزه‌ای برای تصحیح ارزش‌گذاری اشتباه از طریق افشای بیشتر اطلاعات ایجاد نماید. حاصل افشای داوطلبانه اطلاعات نیز، کاهش شرایط عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعاتی است و باعث افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران به مدیریت شرکت می‌گردد (پارسیان و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۱۱).

افشای اختیاری، افشای اطلاعاتی است فراتر از تعهدات قانونی، که توسط نهادهای قانون‌گذار تبیین شده است و نقش پراهمیتی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی دارد (خدادادی و بنایی قدیم، ۱۳۹۴، ۴۱). افشای داوطلبانه، به مفهوم افشایی فراتر از قوانین و استانداردها می‌باشد. استانداردها حسابداری اگرچه حداقل میزان افشاء را معین نموده‌اند اما برای افشای اطلاعات بیشتر از

مرتبط با افشا داشته باشد. چرا که مبنای معیارهای مورد استفاده در پژوهش‌های داخلی برای اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری ریشه در پژوهش‌های خارجی دارد و بیشتر سعی در شمارش تعداد اقلام افشا شده دارند تا اینکه کیفیت اقلام افشا شده را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند. همین ویژگی‌های معیارهای مورد استفاده می‌تواند منجر به عدم تایید نظریات و تئوری‌های افشا شود. که انتظار بر این است که روش تحلیل مضمون (تم) مشکل را حل کند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اصطلاح افشا درگسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می‌کنند و منظور آن‌ها انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی (معمولاً در قالب گزارش‌های سالانه) است. در برخی موارد، این مفهوم باز هم محدودتر و به معنی ارائه اطلاعاتی است که در متن صورت‌های مالی منظور نشده است. افشای کامل بر فراهم کردن تمام اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری و در نتیجه، حصول اطمینان مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاران گمراه نمی‌شوند، دلالت دارد. پژوهش‌های تجربی، تمایز دقیق و مشخصی بین کمیت و کیفیت افشاء، قائل نمی‌شود. عموماً فرض می‌شود که کمیت اطلاعات افشا شده، شاخصی در تعیین کیفیت آن به شمار می‌رود. در نتیجه، از سنجش‌های کمیت افشا برای سنجش کیفیت افشا استفاده می‌شود. با وجود این، شبهه این فرض، همچنان باقی و مشاجره به‌منظور دستیابی به مقیاسی اثربخش‌تر برای اندازه‌گیری کیفیت افشا همچنان وجود دارد (برتا و بوزولان^{۱۲}، ۲۰۰۴، ۳۳۳).

حوزه افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها از زمینه‌های مورد علاقه پژوهشگران دانشگاهی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌باشد. بررسی تحقیقات در حوزه افشا نشان می‌دهد، تحقیقات در سه بعد اصلی انجام می‌گیرد که عبارتند از:

- ۱) سنجش دقیق میزان افشای اطلاعات به وسیله شرکت‌ها که در پژوهش‌های گوناگون ابعاد مختلف افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیر مالی اندازه‌گیری و کمی سازی شده است.
- ۲) شناسایی محرک‌ها و عواملی که بر رویه‌ها و میزان افشای اطلاعات تاثیر می‌گذارد. در چارچوب تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان متغیرهایی مانند حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، ویژگی‌های شرکت

دارند که عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد(غلامی جمکرانی و بختیاری، ۱۳۹۶، ۷۱).

میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و مخفی کنند، در شرکت‌های گوناگون متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و عدم افشای اخبار، وابسته به هزینه‌ها و منافع اطلاعات است. به عنوان مثال، در وضعیتی که هیچ‌گونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند؛ زیرا در چنین شرایطی هزینه‌های نگه‌داری و عدم افشای اخبار بیش از منافع آن خواهد بود؛ اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بالا است، هزینه‌های عدم افشای اخبار و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کم‌تر از منافع آن خواهد بود و بنابراین مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن‌ها را افشا نکنند (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۴۲). با توجه به این‌که عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه منجر به گزارشگری مالی محافظه‌کارانه می‌شود، می‌توان گفت که در محیطی با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، محافظه‌کاری نقش مهم‌تری در محدود کردن انگیزه‌های مدیران برای عدم افشای اخبار منفی ایفا می‌کند و از این‌رو، می‌توان انتظار داشت که توانایی محافظه‌کاری جهت کاهش ریسک سقوط قیمت سهام، در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران، بیش‌تر باشد (کیم و ژانگ، ۲۰۱۰؛ ۷۹). در صورت عدم وجود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت ایجاد می‌گردد تا برای حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود، اطلاعات منفی را در داخل شرکت پنهان کنند. از این‌رو، این اطلاعات منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. هنگامی که توده اطلاعات منفی انباشته به نقطه اوج خود می‌رسد، نگهداری آن برای مدت زمان طولانی‌تر غیرممکن و پرهزینه می‌شود. در نتیجه توده اطلاعات منفی به یکباره وارد بازار شده، به سقوط قیمت سهام منجر می‌گردد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ۱۶).

تحقیقات تجربی راجع به افشای اختیاری نشان می‌دهد مدیران انگیزه‌هایی دارند تا به‌طور استراتژیک و انتخابی اطلاعات را افشاء کنند. در عوض، سرمایه‌گذاران به‌طور منطقی چنین استراتژی‌های افشاء را انتظار دارند و مدیران انگیزه‌هایی برای افشای اطلاعات دارند که عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. تحقیقات تجربی راجع به افشای اختیاری شامل تحقیقات تجربی افشای اختیاری انگیزه‌های افشای اختیاری و تصمیمات گزارشگری مالی، پاداش بر مبنای سهام و رقابت کنترل شرکت، معاملات بازار سرمایه، هزینه منفعت افشاء،

الزامات قانونی محدودیتی قائل نمی‌شوند. هنگامی که مدیریت قادر باشد با افشای اطلاعات اضافی و داوطلبانه رهنمودهای مطلوب‌تری را در رابطه با اهداف و چشم‌انداز آتی شرکت و استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارد ارائه کند و تصویر شفاف‌تری از وضعیت موجود نشان دهد در این صورت سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی، قادرند از تدابیر مدیریت آگاه شوند و انتقادات آنها نسبت به عملکرد موسسه برطرف گردد و به آینده موسسه امیدوار شوند(غلامی جمکرانی و بختیاری، ۱۳۹۶، ۶۸). مدل های افشای اختیاری از سه جنبه زیر قابل بررسی است:

۱) تحلیل و تفسیر سرمایه‌گذاران از افشاء یا عدم افشای اطلاعات یک نقش اساسی و کلیدی در اتخاذ تصمیم‌های مدیریت برای افشای اطلاعات به شکل اختیاری دارد. هنگامی که سرمایه‌گذاران به‌صورت منطقی پیش‌بینی کنند که مدیران اطلاعات را تنها اگر به منفعت آنهاست افشاء می‌کنند، چنین سرمایه‌گذارانی افشاء را به‌طور خاص وابسته به میزان دانش و انگیزه‌های مدیران شرکت تفسیر می‌کنند.

۲) این مدیریت است که تصمیمات افشاء را اتخاذ می‌کند نه شرکت. هزینه و منفعت افشاء که تصمیمات افشاء را تشریح می‌کند انعکاس‌دهنده اثربخشی مدیریت و عدم مطلوبیت افشاء است. عواملی که بر بهره‌وری مدیریت و عدم مطلوبیت افشاء مؤثر می‌باشد شامل بسته‌های پاداش مدیران یا ساختار حاکمیت شرکتی به‌منظور به حداکثر رساندن ارزش سرمایه‌گذاری‌ها است. اکثر مدل‌ها این فرض را دارند که کوشش مدیران جهت افزایش حداکثری قیمت سهام است. با این حال اغلب مدیران انگیزه دارند تا قیمت سهام را کم کنند.

۳) سیستم‌های انگیزشی طراحی می‌گردند تا نه تنها بر تصمیم‌های افشای مدیران اثرگذار باشند بلکه بر تصمیم‌های سرمایه‌گذار، رفتار رقابتی و انتخاب‌های ساختار سرمایه اثر داشته باشد.

در مدل‌هایی که عنوان شد، مدیران نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن ارزش شرکت و سودآوری مزایای اطلاعاتی دارند و انگیزه‌هایی دارند تا ارزش شرکت را حداکثر کنند. مدیران دارای انگیزه‌هایی هستند تا به‌صورت استراتژیک و انتخابی اطلاعات را افشاء کنند. در مقابل، سرمایه‌گذاران به‌صورت منطقی چنین استراتژی‌های افشاء را انتظار دارند و مدیران انگیزه‌هایی برای افشای اطلاعات

هزینه مالکانه، افشای بخش‌های سود ده را نحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه مالکانه، هزینه‌ای است که شرکت به خاطر افشای اطلاعات محرمانه و به‌کارگیری بالقوه آن توسط رقبا متحمل می‌شود. زیرا رقبا به استراتژی شرکت دست‌یافته و چشم‌انداز آتی شرکت را به خطر می‌اندازند. پس با وجود مطلوب بودن اطلاعات، مدیر تمایلی به افشای اطلاعات ندارد. صنایع رقابتی‌تر، هزینه مالکانه آنها بالاتر خواهد بود و تمایل به افشا اختیاری اطلاعات در آنها کاهش خواهد یافت (برگر و هان^{۲۰}، ۲۰۰۷؛ ۸۷۰).

پیش‌بینی‌های مدیریت یکی از مهم‌ترین شکل‌های افشای اختیاری است و مدیران می‌توانند موضوعات پیش‌بینی سود را به شکل کمی یا کیفی بیان کنند. شواهد نشان می‌دهد که با توجه به آینده عملیات شرکت و محیط اطلاعاتی آن، مدیران انگیزه‌های متفاوتی برای افشاء ارائه می‌دهند. مدیران به طور انتخابی، خبرهای خوب را به‌وسیله دسته‌بندی پیش‌بینی‌های سود با توانایی تحلیلگران برای پیش‌بینی سود را به نتایج مالی گزارش شده دوره جاری افشاء می‌کنند. همچنین دعوت به مذاکره طور دقیق افزایش می‌دهد (غلامی جمکرانی و بختیاری، ۱۳۹۶، ۷۳).

هوانگ و همکاران^{۲۱} (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر مقررات افشای اطلاعات در بورس سهام: شواهدی از ویتنام به بررسی اثرات مقررات مربوط به افشای اطلاعات در بورس سهام ویتنام پرداختند. برای بررسی اطلاعات از طیف گسترده‌ای از مدل‌های ARCH و GARCH استفاده شد. نتایج نشان داد وقتی بازار میزانی از افشای اطلاعات را پیش‌بینی می‌کند، بیشتر بخش‌ها واکنش‌های منفی را دو و پنج روز قبل از اعلام اول تجربه می‌کنند. واکنش‌های مثبت در تاریخ رویداد و همچنین دو و پنج روز پس از آن مشاهده می‌شود.

گانتیاواتی و نور فیتیه^{۲۲} (۲۰۲۰) در تحقیق با عنوان تأثیر ساختار مالکیت و فعالیت هیئت‌مدیره بر افشای داوطلبانه شرکت‌های تولیدکننده در بورس اندونزی ۱۰۹ شرکت تولیدی در بورس اندونزی در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این تحقیق با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد کلیه شاخص‌های ساختار مالکیت و فعالیت هیئت‌مدیره تأثیر معناداری بر افشای داوطلبانه شرکت‌های تولیدکننده بورس اندونزی دارند.

دامبرا و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان افشا داوطلبانه و سود نامتقارن به هنگام به بررسی افشای داوطلبانه، سود نامتقارن پرداختند. آنها پیش‌بینی کردند که سود مدیریتی آینده‌نگر (MFs) به رابطه ضعیف‌تری بین بازده و سود جاری منجر شود و در نتیجه می‌توان پیش‌بینی سود به هنگام

هزینه سرمایه، نقد شوندگی، هزینه مالکانه افشاء، اندازه‌گیری افشای اختیاری و کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر بستر نهادی بر افشای اختیاری، پیش‌بینی‌های مدیریت و دیگر مکانیزم‌های افشای اختیاری است (غلامی جمکرانی و بختیاری، ۱۳۹۶، ۷۱). هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی به وجود می‌آید، برای تحمل ریسک اطلاعاتی، سرمایه‌گذاران صرف ریسک زیادی را درخواست می‌کنند. اما مدیران قادرند هزینه سرمایه خود را توسط کاهش ریسک اطلاعاتی با افزایش افشای داوطلبانه، کم کنند. افشای اختیاری اطلاعات موجب می‌گردد عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و بازار کاهش و تعداد سهام بیشتری معامله شود. بنابراین توان نقد شوندگی افزایش و موجب جلب توجه نهادهای سرمایه‌گذاری بزرگ خواهد شد. بنابراین با افزایش تقاضا، قیمت سهام بالا و ارزش بازار شرکت افزایش می‌یابد (بوتوسان و پالم^{۱۶}، ۲۰۰۲؛ ۲۲). زمانی که مدیران یک شرکت قصد دارند سرمایه جدیدی را از طریق سهام یا بدهی انتشار دهند، انتظارات سرمایه‌گذاران از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی کاهش می‌یابد (هیلی و پالپو^{۱۷}، ۲۰۰۱؛ ۴۰۵). کاهش در عدم تقارن اطلاعاتی زمانی ممکن است اتفاق افتد که افشای اختیاری برای سرمایه‌گذاران خارجی صورت گیرد (شهاتا^{۱۸}، ۲۰۱۴؛ ۱۹).

طرح‌های پاداش بر مبنی سهام (طرح‌های اختیار و سهام محدود) می‌توانند مدیران را مجبور کند تا افشای اختیاری خاصی را ارائه کنند. عملکرد ضعیف قیمت سهام، در نتیجه تغییرات زیاد مدیرعامل به وجود می‌آید. تئوری افشای داوطلبانه، این فرضیه را بیان می‌کند که ریسک بالای از دست دادن شغل، عملکرد ضعیف سهام و عایدات را به همراه خواهد داشت. مدیریت از افشای داوطلبانه شرکت برای کاهش احتمال کمتر از واقع ارزیابی شدن و برای توجیه عملکرد ضعیف عایدات استفاده می‌کند. شرکت‌هایی که قیمت سهام آنها کمتر از ارزش واقعی تعیین گردیده، دارای انگیزه می‌شوند که برای اطلاعات مالی و آگاه کردن افراد از این واقعیت، اطلاعات بیشتری را افشاء کنند (غلامی جمکرانی و بختیاری، ۱۳۹۶، ۷۲).

یک چالش با اهمیت در مواجهه با کار تجربی، رابطه بین مکانیزم حاکمیتی، افشاء و رویه‌های گزارشگری مالی، موضوعات علیت و درون‌زایی است. ماهیت درون‌زایی شرکت از محیط اطلاعاتی شرکت، مکانیزم حاکمیتی و نتایج مشاهده شده ایجاد ارتباط علی را مشکل و اثر دقیقی که یک مکانیزم ممکن است بر دیگری داشته باشد را توجیه می‌کند (بایر و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۰).

کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباط منفی معناداری وجود دارد؛ همچنین میان حضور مالکان نهادی و مدیران غیرموظف با افزایش کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباطی وجود ندارد.

هو و تیلور^{۲۹} (۲۰۱۳) در تحقیق خود به بررسی اثرات راهبری شرکتی بر افشای داوطلبانه شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه مالزی پرداختند. نمونه این پژوهش مشتمل بر ۱۰۰ شرکت در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ساختار راهبری شرکتی، میزان افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات شرکت‌های بازار سرمایه مالزی را تحت تاثیر قرار داده است.

بینه (۲۰۱۲) به بررسی سطح افشای اختیاری در ویتنام پرداخت. محقق اطلاعات ۱۹۹ شرکت تولیدی در سال ۲۰۰۹ را مورد بررسی قرار داد. شاخص افشای اختیاری متشکل از ۷۲ آیتم در ابعاد اطلاعات عمومی شرکت، کمیته حسابرسی، اطلاعات مالی، چشم اندازآتی، اطلاعات کارکنان، اطلاعات اجتماعی و زیست محیطی و ساختار هیات مدیره می‌باشد. آیتم‌های این چک لیست از نظر تحلیل گران مالی و مدیران مالی به عنوان اطلاعات مهم در بحث افشای اختیاری تأیید گردید. با استفاده از رویکرد عدم وزن دهی شاخص افشای اختیاری محاسبه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، ابعاد مالی و چشم انداز آتی به ترتیب با اهمیت ترین از منظر تحلیل گران و مدیران مالی بوده اند. شواهد نشان می‌دهد با بررسی واقعی افشای اختیاری شرکت‌ها، اطلاعات عمومی و چشم انداز آتی از بیشترین سطح افشا برخوردار هستند که بیانگر همسویی نتایج واقعی با نظر تحلیلگران و مدیران مالی می‌باشد.

ساکتوما (۲۰۱۱) به بررسی سطح افشای اختیاری در تایلند پرداخت. محقق اطلاعات شرکت‌های موجود در شاخص صد شرکت برتر بورس تایلند را در سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ بررسی نمود. علت انتخاب این چهار سال، بررسی سطح افشای اختیاری قبل و بعد از بحران اقتصادی ۱۹۹۷ آسیا بود. شاخص افشای اختیاری با استفاده از چک لیستی متشکل از ۶۰ آیتم در سه بعد استراتژیک، مالی و غیرمالی و با رویکرد عدم وزن دهی تعیین گردید. یافته‌ها بیانگر روند رو به رشد افشای اختیاری در دوره زمانی تحقیق بوده و سطح افشا در بعد اطلاعات استراتژیک بیشتر از دو بعد دیگر بود. همچنین در اطلاعات غیر مالی، اطلاعات مربوط به کارکنان کمترین سطح افشا را به خود اختصاص داد.

وارگس (۲۰۱۱) در مطالعه ای سطح افشای اختیاری در بورس بمبئی را مورد ارزیابی قرار داد. در این تحقیق ۷۰ شرکت در سه دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۳، ۲۰۰۳-۲۰۰۴، ۲۰۰۴-۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفتند. چک لیست افشای اختیاری

نامتقارن را با استفاده از مدل Basu (۱۹۹۷) (و مدل‌های مرتبط) اندازه‌گیری کرد. نتایج نشان می‌دهد افشاگری‌های داوطلبانه آینده‌نگر در قیمت‌ها و بازده سهام منعکس می‌شود. لیو و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان افشای اطلاعات داوطلبانه با باورهای ناهمگن مدلی را ارائه کردند که در آن یک شخص آگاه در داخل شرکت و یک شخص آگاه خارج از شرکت، در ارتباط با اطلاعات مشترک خود در مورد دارایی ریسک پذیر باورهای ناهمگنی دارند و انگیزه خود را برای افشای داوطلبانه اطلاعات به عموم افراد تحلیل می‌کنند. همچنین باورهای ناهمگن، ممکن است افشای داوطلبانه را برای کسب سود اضافی تقویت کند. یافته‌ها نشان داد که چرا برخی از افراد در داخل شرکت ترجیح می‌دهند تا با افراد غیر مجاز معامله کنند و برخی دیگر ترجیح می‌دهند از طریق افشای داوطلبانه، افراد خارج از شرکت را از معاملات خارج کنند.

سیهومینگ و پانگاریوان^{۲۵} (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تاثیر ساختار نظام راهبری شرکتی و افشاء بر عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت بانکی کشور اندونزی پرداختند. یافته‌های پژوهش این محققین نشان می‌دهد که به کارگیری سازوکارهای مناسب نظام راهبری شرکتی منجر به افزایش افشاء اطلاعات و در ادامه این افزایش افشاء اطلاعات منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

آلوز و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی افشای داوطلبانه و کیفیت نظام راهبری بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌ها با سطوح افشاء بیشتر، از عدم تقارن اطلاعاتی کمتر و شرکت‌هایی با تمرکز مالکیت بیشتر، از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری برخوردار هستند.

چن و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان یک معیار جدید از کیفیت افشا: سطح تفکیک داده‌های حسابداری در گزارش‌های سالانه معیار جدیدی از کیفیت افشا با توجه به سطح تفکیک اطلاعات حسابداری در گزارش‌های سالیانه را ارائه کردند. آن‌ها نشان دادند که این معیار رابطه منفی با پراکندگی پیش‌بینی تحلیل‌گران و همچنین رابطه منفی با دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش دارد.

ساتا و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ماهیت افشای داوطلبانه در شرکت‌ها با اندازه متوسط با تمرکز بر کیفیت ارتباطات با شرکت‌های دیگر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میان مالکیت اقلیت و کمیته حسابرسی با افزایش کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباط مثبت معناداری وجود دارد؛ میان مالکیت مدیریتی و اندازه هیئت مدیره با افزایش

شامل ۹۲ آیتم در سه بعد اطلاعات مالی، اطلاعات غیر مالی و اطلاعات چشم انداز آتی بود و درصد شرکت‌های افشای کننده آیتم‌ها به کل شرکتها مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد، شرکتها در بعد مالی افشای بهتری داشته و سطح افشا در مورد اطلاعات چشم انداز کمتر بوده و برخی از آیتم‌ها اصلا افشا نمی‌شوند. همچنین شواهد نشان داد، اندازه شرکت و سطح سودآوری رابطه مثبت و معناداری با میزان افشای اختیاری دارد.

کردستانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی به بررسی و نقش کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. تحقیقات زیادی رابطه کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی کرده و ارتباط منفی بین این دو متغیر را مستند نموده‌اند، ولی در این تحقیق علاوه بر بررسی آن، تأثیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر ارتباط بین کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شد. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بالاتر معرف رشد آتی شرکت است و شرکت‌های دارای رشد بیشتر عدم اطمینان اطلاعاتی بالاتری دارند. افشای بیشتر در مورد این شرکتها تأثیر قوی‌تری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد. در این تحقیق شرکتها بر حسب نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری به دو گروه شرکت‌های دارای نسبت بالا و شرکت‌های دارای نسبت پایین تقسیم شدند و تأثیر این نسبت بر ارتباط کیفیت افشا و عدم تقارن برای هر دو گروه بررسی شد. برای سنجش متغیر کیفیت افشا از امتیاز افشای شرکت که توسط بورس اوراق بهادار تهران منتشر می‌شود، استفاده شد. متغیر عدم تقارم اطلاعاتی با استفاده از مدل ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) اندازه گیری شد. برای بررسی تجربی این موضوع داده‌های ۹۰ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مدل‌های تحقیق با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد گردید. یافته‌ها نشان داد که بین کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و همچنین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، رابطه منفی کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می‌کند.

پارسیان و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان شناسایی مولفه‌های افشای داوطلبانه بین نظام راهبری شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی مولفه‌های افشای داوطلبانه و تأثیر نظام راهبری شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با استفاده از روش پیمایشی، نمونه‌ای هدفمند مشتمل بر ۱۰۲ مصاحبه‌شونده و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی تعداد ۱۸۶ شرکت فعال

در سال مالی ۱۳۹۵ به عنوان نمونه انتخاب شدند. با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی با رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم افزار SmartPLS، یافته‌های پژوهش نشان داد که سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر افشای داوطلبانه، عملکرد مالی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکتها تأثیر مثبت و معناداری دارند. افشای داوطلبانه شرکتها تأثیر مثبت و معنادار بر تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه دارند. همچنین عملکرد مالی شرکتها تأثیر معناداری بر تقارن اطلاعاتی شرکتها در نمونه مورد بررسی نداشته است. در نهایت می‌توان گفت که با استقرار سازوکارهای راهبری شرکتی مناسب، زمینه افشای داوطلبانه اطلاعات شرکتها، شفافیت اطلاعاتی و تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه فراهم و این مهم می‌تواند در کارآمد شدن بازار مالی به بهبود عملکرد شرکتها موثر واقع شود.

رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان محرک‌های افشای اختیاری در بازار سرمایه ایران مطالعات تجربی حسابداری مالی به بررسی ویژگی‌های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذینفعان به‌عنوان محرک‌های افشای اختیاری پرداختند. نمونه تحقیق شامل ۱۴۶ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۸ بود. در بررسی فرضیات این پژوهش از روش معادلات ساختاری و رگرسیون چند متغیره استفاده شد تا تحلیل جامعی از تأثیر متغیرهای مکنون و اجزای سازنده‌های آنها بر افشای اختیاری صورت گیرد. یافته‌های پژوهش نشان داد، ویژگی‌های ساختاری شرکت تأثیر مثبت و معنادار و ویژگی‌های عملکردی شرکت تأثیر منفی و معناداری بر سطح افشای اختیاری دارند. ویژگی‌های هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت و حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح افشای اختیاری دارند. همچنین ذینفعان داخلی تأثیر منفی و معنادار و ذینفعان خارجی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح افشای اختیاری می‌گذارند.

غلامی جمکرانی و بختیاری (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان افشاء و مدل‌های آن بیان کردند گزارشگری مالی و افشاء از موضوعات مهم مطرح در بازارهای سرمایه به شمار می‌رود که از یک سو کارایی و عملکرد بازار را بصورت مستقیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از سوی دیگر در عملکرد هر شرکتی تأثیر قابل توجهی دارد. همچنین دریافتند که افشای اطلاعات نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌های صحیح و آگاهانه گروه‌های مختلف بخصوص سرمایه‌گذاران دارد. بر اساس تئوری اقتصادی عدم تقارن، افشای اطلاعات از عدم تقارن کاسته و باعث کاهش هزینه سرمایه می‌گردد. چرا که افشای اطلاعات بیشتر منجر به نقد شوندگی بیشتر، هزینه معاملات کمتر و در نهایت به

۱۴۸ شرکت در سال ۱۳۹۱ و روش آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌های آماری مطرح شده رگرسیون چند متغیره بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه‌ی معنی دار و مثبتی بین "نسبت اعضای غیرموظف" و "مالکیت شرکتی" با افشای اختیاری وجود دارد. بین "اندازه هیأت مدیره"، "مالکیت مدیریتی" و "مالکیت نهادی" با افشای اختیاری رابطه معنی داری یافت نشد.

با توجه به مبانی و تئوریهای بیان شده، انتظار می‌رود که معیارهای اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری بتواند با نتایج تئوری‌های مرتبط ارتباط معناداری داشته باشد، عدم تحقق ارتباط مورد نظر می‌تواند نشان‌دهنده عدم کارایی معیارهای بکارگرفته شده برای اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری باشد. از این رو سوالات این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین نتایج مورد انتظار از افشای اختیاری اطلاعات و معیارهای اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری اطلاعات و مقایسه نتایج با یکدیگر است. لذا سوالات قابل طرح عبارتند از:

- ۱) سؤال اول (۱): آیا شرکت‌های دارای افشای اختیاری باکیفیت از نظر معیار داخلی (حاصل شده از روش تحلیل تم) نسبت به شرکت‌های دارای افشای اختیاری باکیفیت از نظر چک‌لیست بوتوسان تعدیل شده توسط کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۸) دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است؟
- ۲) سؤال اول (۲): آیا شرکت‌های دارای افشای اختیاری باکیفیت از نظر معیار داخلی (حاصل شده از روش تحلیل تم) نسبت به شرکت‌های دارای افشای اختیاری باکیفیت از نظر رتبه‌بندی کیفیت افشای بورس دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است؟

۳- روش پژوهش

هدف این پژوهش، طراحی مدل ارزیابی کیفیت افشای اختیاری اطلاعات با استفاده از تحلیل تم و استفاده از نظرات صاحب‌نظران است، با این دیدگاه که ابزارهای بکارگرفته شده در پژوهش‌های داخلی به دلیل داشتن منشا خارجی و تمرکز بر تعداد افشا نمی‌تواند معیار مناسبی برای اندازه‌گیری کیفیت افشای اطلاعات باشد، لذا ارائه ابزاری جدید لازم و ضروری است. این پژوهش دارای ماهیت کیفی و رویکرد اکتشافی است. پژوهش حاضر از حیث هدف نوعی پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و نتایج آن را می‌توان برای ارزیابی کیفیت افشای اختیاری شرکت‌ها، بکار گرفت. این پژوهش در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در تهران انجام شده است.

تقاضای بیشتر سهام منجر می‌شود. در مورد افشاهای اختیاری، مدیران چنین افشاهایی را زمانی انجام می‌دهند که منافع حاصل از آن بیش از هزینه‌های آن باشد و از آنجایی که قوانین و مقررات برآورد کننده نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران از طریق افشای اجباری است و تأمین‌کننده کمترین مقدار اطلاعات برای کمک به سرمایه‌گذاران است، نیاز برای افشای اختیاری و پرکردن شکاف ایجاد شده به وسیله افشای اجباری احساس می‌گردد.

بشیری منش و رحمانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان تدوین الگوی افشای اختیاری: ابزاری برای حسابداری مدیریت به تدوین الگوی مناسب افشای اختیاری پرداختند و با بررسی متون و ادبیات حوزه افشای اختیاری، مدلی متشکل از ده بعد در ۲۳۳ آیتم طراحی نمودند که روایی و پایایی آن برحسب نظر خبرگان مورد تأیید واقع شد. سپس مدل در بین ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۹۲-۸۸ مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر همبستگی بالای آیتم‌های تعیین شده در هر یک از ابعاد با نمره کل آن بعد و همچنین همبستگی بالای نمره هر یک از ابعاد با نمره کل افشای اختیاری می‌باشد. همچنین ضریب پایایی ابزار طراحی شده ۰٫۸ می‌باشد. براین اساس الگوی تدوین شده از منظر خبرگان و تحلیل همبستگی از روایی و پایایی بالایی برخوردار بوده و می‌تواند توسط مدیران شرکتها در راستای بهبود شفافیت اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرد.

ولی پور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی خود بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه تحقیق شامل ۷۱ شرکت بود و برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیونی با نرم افزار E-views استفاده شد. نتایج مدلهای قیمت و بازده، حاکی از آن است که سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم از عوامل مؤثر در ارزشگذاری شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران در دوره مورد مطالعه هستند. سایر نتایج مدل قیمت حاکی از آن است که با افزایش سطح افشای اختیاری، مربوط بودن و محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری هر سهم افزایش یافته است. از طرفی در مدل بازده، محتوای اطلاعاتی سود هر سهم در تمام سطوح افشای اختیاری اطلاعات یکسان بوده است.

کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری به بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری پژوهش شامل

یافتن فردی برای مصاحبه که همه ویژگی های فوق را داشته باشد، میسر نیست. لذا ترکیب مصاحبه شونده‌گان بگونه ای انتخاب شد که کل مصاحبه شونده‌گان به عنوان یک مجموعه دارای ویژگی های فوق باشند.

روش تحلیل داده ها

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل تم، تحلیل شده است. تحلیل تم پس از اتمام مصاحبه‌ها انجام شده است. روش تحلیل تم، روش مناسب و انعطاف پذیری برای تحلیل داده‌های کیفی است. تحلیل تم فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. در این روش، الگوهای درون داده‌ها (تم‌ها)، شناسایی، تحلیل و گزارش می‌شوند. هر تم، جنبه بااهمیتی از داده‌ها و مساله پژوهش را روشن می‌کند. تشخیص اینکه چه چیزی تم محسوب می‌شود، نیازمند قضاوت پژوهش‌گر است.

برای تحلیل داده‌ها، متن مصاحبه‌ها چند بار مرور شده و گفته‌های اساسی و کلیدی بنابر قضاوت پژوهش‌گر تعیین و گفته‌های نامربوط حذف شدند. سپس به هر یک از گفته‌های اساسی و کلیدی یک کد ۴ رقمی که دو رقم اول شماره مصاحبه و دو رقم بعدی شماره گفته می‌باشد، تخصیص داده شد. در مرحله بعد گفته‌های اساسی و کلیدی مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفته و با حذف گفته‌های تکراری، تم‌ها شکل گرفتند. این نوع شکل‌گیری موجب شناسایی ابعاد متفاوت و اطمینان از جامعیت آن‌ها شده است و عنوان علمی هر تم با توجه به محتوای آن تم مشخص می‌شود. طبقه تم‌ها از فرعی به اصلی براساس ماهیت مشترک بین آن‌ها انجام شده است. فهرست تم‌های فرعی و اصلی شناسایی شده به همراه کدهای مربوط در نگاره شماره ۲ آمده است. پس از استخراج تم‌ها، محتوای آنها تحلیل شده و رابطه هر تم با کیفیت افشای اختیاری، پیش فرض‌ها و عوامل محیطی موثر بر مدل مشخص شدند. در نهایت شمای مدل تعیین پاداش هیات مدیره بر اساس تم‌های شناسایی شده و روابط بین آنها، ترسیم شد (نگاره شماره ۱). در همین راستا در ذیل دو نمونه از متن مصاحبه‌ها به همراه کدگذاری و تم فرعی آورده شده است.

داده‌های پژوهش حاضر با روش مصاحبه جمع‌آوری شده است. سوال‌های مصاحبه بر اساس عوامل موثر بر ارزیابی کیفیت افشای اختیاری طبق پژوهش‌های خارجی طراحی شدند و از تمام مصاحبه‌شونده‌گان (تعداد ۱۷ نفر) سوال‌های مشابه پرسیده شد. مصاحبه‌ها از نوع نیمه ساختار یافته و حضوری بوده و ضبط شده است. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که از اشباع داده‌ها اطمینان حاصل شود و مصاحبه‌های جدید، تم جدیدی به مدل اضافه نکنند.

جامعه و نمونه آماری

با توجه به اهداف این پژوهش و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده می‌شود، برای نمونه‌گیری، محدودیت استفاده از روش وجود ندارد و می‌توان از یک یا دو روش برای انتخاب افراد نمونه در یک مطالعه استفاده نمود.

جامعه آماری پژوهش برای تحلیل تم و ارائه شاخص و ابزار اندازه‌گیری کیفیت افشای اختیاری، صاحب‌نظران و اساتید حوزه حسابداری است که مطالعات و سوابق در زمینه افشا داشته‌اند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری گلوله برفی است. در روش گلوله برفی، از افراد پرسیده می‌شود که آیا فرد دیگری را برای مصاحبه پیشنهاد می‌کنند و این گونه نمونه آنها بزرگ و بزرگ‌تر خواهد شد. جامعه خبرگان با توجه به ویژگی‌های مرتبط با حوزه افشا از قبیل سطح علمی افراد، سابقه فعالیت در حوزه افشا، فعالیت‌های پژوهشی مرتبط تعیین گردید. حجم نمونه پژوهش حاضر نیز با رسیدن به حد اشباع داده‌ها تعیین شده است. اشباع^{۲۰} عبارت است از این که با ادامه جمع‌آوری داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده تکرار داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدید حاصل نشود، بنابراین در پژوهش کیفی تکرار تم‌ها^{۳۱} یا نکات برجسته نشانه کفایت حجم نمونه است (حاج‌اری، پرویزی، صلصالی، ۸۶). لذا در این پژوهش در مصاحبه نیمه ساختار یافته تعداد ۱۷ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری کیفی انتخاب شده‌اند.

مصاحبه شونده‌گان از بین افراد دارای ویژگی‌های زیر انتخاب شده‌اند:

- الف- داشتن سابقه در زمینه آموزش و پژوهش حسابداری
- ب- داشتن سابقه مدیریت مالی
- پ- داشتن سابقه عضویت در هیات مدیره
- ت- داشتن سابقه حسابرسی

نگاره (۱): نمونه متن مصاحبه به همراه کدگذاری و تم فرعی

نمونه از مصاحبه ۱:	
ارائه اطلاعات مقایسه ای در مورد موضوع افشا نسبت به شرکت های مشابه و فعال در صنعت به شرط داشتن سنخیت باعث افزایش کیفیت افشا می شود چون اطلاعات فی نفسه بار اطلاعاتی ندارند اما وقتی آنها را مقایسه می کنیم معنا پیدا می کند.	
کد: ۱۱۳۰۶	تم: ارائه اطلاعات مقایسه ای با شرکت های مشابه و فعال در صنعت
نمونه از مصاحبه ۲:	
برای افزایش قابلیت درک اطلاعات برای استفاده کنندگان، صرفا بکارگیری اعداد و یا توضیحات کمی کفایت نمی کند و بهتر است ترکیبی از هر دو نوع افشا مورد استفاده قرار بگیرد	
کد: ۱۰۶۰۲	تم: شکل ارائه اطلاعات (کمی و کیفی)

۴- یافته های پژوهش

نگاره تم های شناسایی شده شامل کدها و تم های اصلی و فرعی که در نتیجه تحلیل محتوای داده ها با روش تحلیل تم شناسایی شده اند، در ادامه (نگاره ۲) آمده است.

نگاره (۲): تم های شناسایی شده

تم اصلی	تم های فرعی	کدها
نحوه دسترسی به اطلاعات (منابع رسمی و غیر رسمی)	گزارش اطلاعات شفاف هیات مدیره شرکت ها (گزارش فعالیت هیات مدیره، گزارش تفصیلی مدیریت و...)	I0201-I0401-I0413-I0701-I1201-I1401-I1701
	مصاحبه های مطبوعاتی، ارائه مقالات و گزارشات تحلیلی در سایت های معتبر و رسمی	I0109-I0308-I0402-I0414-I0702-I0708-I0807-I0904-I0909-I1108-I1209-I1305-I1506
	افشاهای فوری در سایت کدال	I0307-I0414-I0702-I0807-I1209-I1305
شکل ارائه اطلاعات	اطلاعات کمی - کیفی	I0104-I0204-I0302-I0411-I0505-I0602-I0706-I0802-I1204-I1303-I1404-I1502
	اطلاعات کمی و مقداری	I1006-I1103-I1602
	استفاده از جدول، نمودار، شکل، تیتربندی، نوع قلم و...	I0309-I0709-I0803-I0906-I1006-I1109-I1210
حجم ارائه اطلاعات	تعداد جملات بیشتر	I0101-I0410-I0601-I0707-I0804-I1005-I1402-I1601
	محتوای اطلاعاتی بیشتر	I0203-I0301-I0707-I0804-I1004-I1102-I1302-I1501-I1702
توجه به نوع صنعت و استفاده کنندگان اطلاعات	توجه به نیاز استفاده کنندگان اطلاعات	I0102-I0202-I0310-I0801-I0810-I0902
	توجه به نوع صنعت	I0103-I0209-I0310-I0407-I0503-I0902-I1202
دارا بودن ویژگی کیفی اطلاعات	مربوط بودن و قابل اتکا بودن	I0105-I0207-I0306-I0408-I0501-I0905-I1301
	تایید کنندگی و پیش بینی کنندگی اطلاعات	I0207-I0306-I0502-I1301
ارائه اطلاعات مقایسه ای	ارائه اطلاعات مقایسه ای با شرکت های مشابه و فعال در صنعت	I0106-I0206-I0304-I0413-I0506-I0603-I0705-I0907-I1106-I1206-I1306-I1406-I1503-I1604-I1607
	ارائه عملکرد با توجه به اهداف پیش بینی شده گذشته	I0107-I0208-I0305-I0413-I0508-I0604-I0704-I1105-I1207-I1307-I1407-I1505-I1605
ارائه آماره های غیرمالی	اطلاعات منابع انسانی و تشریح مشتری	I0406-I0501-I1001-I1606-I1703
	اطلاعات مربوط به گزارشگری پایدار	I0406-I0901-I1001-I1606
ارائه اطلاعات تحلیلی	تحلیل ریسک و وضعیت بازار	I0404-I0606-I1003
	تحلیل نقاط ضعف و قدرت	I0405-I1008
ارائه اطلاعات آتی	بیان اهداف و چشم انداز و استراتژی	I0105-I0205-I0303-I0412-I0507-I0703-I0908-I1002-I1104-I1202-I1304-I1405-I1504-I1603
	بیان رسالت و ماموریت	I0205-I0507-I0908-I1002-I1104-I1205-I1304-I1405-I1504-I1603

۵- شرح تم های شناسایی شده

نحوه دسترسی به اطلاعات (منابع رسمی و غیر رسمی)

تم اصلی نحوه دسترسی به اطلاعات شامل تم های فرعی، گزارش اطلاعات شفاف هیات مدیره؛ مصاحبه های مطبوعاتی، ارائه مقالات و گزارشات تحلیلی در سایت های معتبر و رسمی؛ افشاهای فوری در سایت کدال است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

گزارش اطلاعات شفاف هیات مدیره: از نظر خبرگان، در انتشار اطلاعات صورتهای مالی اساسی خیلی با مقوله افشای اطلاعات با کیفیت که از نوع اختیاری باشد مواجه نیستیم. علتش اینست که اکثراً ناشران یک فرمت نمونه که سازمان حسابرسی گذاشته را تهیه می کنند و هیچ چیزی به آن اضافه یا از آن کم نمی کنند ولی در گزارش فعالیت های هیأت مدیره و همچنین گزارش تفصیلی مدیریت، عمده اطلاعاتی که مربوط به افشای اختیاری هست در آنجا مشاهده می گردد. از طرفی هیچ گاه شرکت های ایرانی به اختیار کاری را انجام نمی دهند، حتی همان صورتهای مالی را چون اجبار دارند تهیه می کنند. همچنین در مورد گزارش فعالیت هیات مدیره فقط شرکت های سهامی عام و خاص الزام دارند و بقیه شرکت ها الزامی به تهیه این گزارشات ندارند و کنار می روند.

مصاحبه های مطبوعاتی، ارائه مقالات و گزارشات تحلیلی

در سایت های معتبر و رسمی: از نظر خبرگان، شرکت هایی که تعداد گزارشات تحلیل گران بیشتری روی سایت تحلیلی شرکت شان قرار دارد، این ها شرکت هایی هستند که نشان می دهد عمدتاً بیشتر از سطح معمول افشا می کنند. اگر اطلاعات بخواهد سریع تر به دست استفاده کنندگان برسد و دوره ای نباشد قاعدتاً بنا به شرایط و موقعیت هایی که شرکت برایش ایجاد می شود بهترین راه اطلاع رسانی آن در سایت خود شرکت است و یا حتی در اطلاعیه های بورس می تواند این ها را اعلام کند. معمولاً طیف وسیعی از افشای اختیاری از طریق سامانه های رسمی منتشر نمی شود. مصاحبه مطبوعاتی- وب سایت خود شرکت- شرکت در سیمینارها و کنفرانس ها- ارائه مقاله و پپیپر توسط مدیرعامل و دیگر کارکنان شرکت- داشتن کانال در شبکه های اجتماعی و فعالیت در آنها و ارتباط دائم با مشتریان و سهام داران، همه این ها برای تحلیل گران منابع اطلاعات غیر رسمی و اختیاری به شمار می رود و می توانند به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت افشا در نظر گرفته شوند.

افشاهای فوری در سایت کدال: از نظر خبرگان، تعداد اطلاعیه های افشای فوری و کنفرانس های مطبوعاتی ها را می توانیم معیاری برای ارزیابی کیفیت افشای اختیاری شرکت ها

قرار دهیم. در واقع تعداد افشاها در یک دوره زمانی مثلاً در دوره گزارشگری در سایت کدال را می توانیم به عنوان شاخص کیفیت افشا در نظر بگیریم. اگر اطلاعات اختیاری تکمیلی از طرف خود شرکت و نه جاهای دیگر در وب سایت ها، مطبوعات، کنفرانس ها و ... قرار داده شود خوب است اما مکان اصلی کسب اطلاعات از شرکت از طریق سامانه های بورسی کدال هست، بهتر است افشاها از آنجا انجام شود چون استفاده کنندگان حداقل به آنجا مراجعه خواهند کرد و نقطه مشترک بین سهامداران و شرکت است.

شکل ارائه اطلاعات

تم اصلی شکل ارائه اطلاعات شامل تم های فرعی، اطلاعات کمی- کیفی؛ استفاده از جدول، نمودار، شکل، تیتربندی، نوع قلم و ... است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

اطلاعات کمی و کیفی: از نظر خبرگان، برای افزایش قابلیت درک اطلاعات برای استفاده کنندگان، صرفاً بکارگیری اعداد و یا توضیحات کمی کفایت نمی کند و بهتر است ترکیبی از هر دو نوع افشا مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال در خصوص اطلاعات آینده نگر نمی توان با قطعیت اطلاعات کمی ارائه نمود و ارائه اطلاعات کیفی مناسب تر است، اما اطلاعات کمی نیز به عنوان مکمل می تواند در درک بهتر چشم انداز شرکت موثر باشد. اگر افشای اطلاعات در مورد گذشته است قطعاً چون داده داریم باید با عدد و رقم باشد، اما وقتی راجع به آینده صحبت می کنیم نمی توان عدد و رقم آورد که اگر ابهام خیلی زیاد باشد به جملات کیفی بسنده می کنیم و اگر شرایط ریسکی باشد از تابع توزیع احتمال استفاده می کنیم. به هر حال اگر همان اطلاعات کیفی قابلیت کمی سازی داشته باشد بهتر و دقیق تر خواهد بود و برداشت متفاوت آدم ها را بوجود نمی آورد ولی لزوماً همیشه امکان پذیر نخواهد بود.

استفاده از جدول، نمودار، شکل، تیتربندی، نوع قلم و ...: از نظر خبرگان، در نگارش گزارش هیأت مدیره و دیگر افشاهای اختیاری، استفاده از نقاشی، جدول، شکل، شرح نوشته یا تیتربندی ها، یا کاما گذاشتن همه آنها محتوای اطلاعاتی دارد و می تواند توجه استفاده کننده را به خود جلب کند و در اندازه گیری کیفیت افشای اختیاری تأثیر دارد. بحث اضافه بار اطلاعاتی و یا پیچیدگی ایجاد می کند که هر چقدر اطلاعات در قالب شکل ها، جداول و نمودارها خلاصه شود که قابلیت فهم آن بیشتر باشد خیلی ارزشمندتر است. این موارد بر می گردد به شکل ارائه که اطلاعات چگونه ارائه شود، همینطور به خوانایی گزارش برمی گردد که چقدر روان نوشته شده باشد،

زیرا نوشتن گزارشی مثل گزارش هیات مدیره، یک حرفه است و نیاز به مخاطب شناسی دارد و این چیز است که حسابداران باید به آن مجهز شوند.

حجم ارائه اطلاعات

تم اصلی حجم ارائه اطلاعات شامل تم های فرعی، تعداد جملات بیشتر؛ محتوای اطلاعاتی بیشتر است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

تعداد جملات بیشتر: از نظر خبرگان، افزایش حجم افشا در خصوص یک موضوع می تواند ابعاد مختلف آن را برای استفاده کننده عام تبیین نماید و شناخت بهتری از وضعیت موجود و مبنایی برای پیش بینی ارایه نماید. هرچه تعداد جملات بیشتر باشد تقریباً کیفیت افشا به همان اندازه بیشتر است چون شرکت دارد افشای بیشتری می کند. در مورد افزایش تعداد جملات افشاء، حداقل نکته مثبت این است که آن شرکت تمایل دارد اطلاعات بیشتری را به بازار مخابره کند.

محتوای اطلاعاتی بیشتر: از نظر خبرگان، حجم افشای بیشتر لزوماً به معنی کیفیت افشا نیست، مهم آنست که چه محتوایی را به استفاده کننده در تصمیم می دهد، مهم نقش اطلاعاتی است که دارد افشا می شود، چه اطلاعاتی برای چه منظوری افشا می شود و با چه صحتی از نظر بررسی افشا می شود. می توانیم بگوییم هرچه جملات متنوع تری باشد و تکراری نباشد می تواند بار اطلاعاتی بیشتری داشته باشد اما ضرورتاً نمی توان گفت تعداد جملات بیشتر، کیفیت افشای بیشتری خواهد داشت چون ممکن است جملات نامربوطی گفته شود.

توجه به نوع صنعت و استفاده کنندگان اطلاعات

تم اصلی توجه به نوع صنعت و استفاده کنندگان اطلاعات شامل تم های فرعی، توجه به نیاز و خبرگی استفاده کنندگان اطلاعات؛ توجه به نوع صنعت است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

توجه به نیاز و خبرگی استفاده کنندگان اطلاعات: از نظر خبرگان، تهیه کننده گزارش باید بداند که جمله ای که در گزارش می آورد ممکن است ده ها استفاده کننده از آن استفاده کنند، بنابراین جمله را باید طوری بیان کند که هر ده نفر استفاده کننده بتوانند از آن سود ببرند و هر بخش آن به نفع یکی باشد. وقتی شما آن طرف قضیه (استفاده کننده) را ببینید می توانید بفهمید او چه نیازی به اطلاعات دارد پس بنابراین اطلاعات را طوری تهیه می کنید که این اطلاعات به او

برسد. اگر استفاده کننده را نبینید شما افشا را انجام دادید اما بنا بر دید خودتان، که برای او مؤثر نیست. ما افشایی را با کیفیت و مؤثر می دانیم که نقش مؤثری بر تصمیم گیرندگان اقتصادی داشته باشد. اگر بخواهیم از بعد تصمیم گیرندگان صحبت کنیم باید کل ذینفعان را در نظر بگیریم و نمی توانیم یک گروه خاص را در نظر داشته باشیم و افشاء را برای آن گروه خاص انجام بدهیم. باید همه گروه ها را با توجه به نیازهایشان سنجش کنیم که چه اطلاعاتی مورد نیازشان است. از طرفی وقتی صحبت از افشای اختیاری می شود یعنی اینکه هیچگونه الزامی وجود ندارد که افراد را تحت فشار قرار دهد که این اطلاعات را بایستی به کدام گروه برسانند یا نرسانند، پس بنابراین ابتدا باید بررسی شود که گروه های استفاده کننده اطلاعات چه کسانی هستند و وقتی این گروه ها شناسایی شدند، ببینند چه اطلاعاتی نیاز دارند، چه بخشی از این اطلاعات در الزامات لحاظ می شود، بقیه آن در گروه افشای اختیاری قرار می گیرد. هم توجه به نیاز استفاده کننده و هم خبرگی که استفاده کننده دارد در کیفیت افشا مؤثر است. البته این در مورد استفاده کننده ای که به عنوان یک تحلیلگر خواهد از اطلاعات استفاده کند درست است. اما صرف نیاز نمی تواند درست باشد چون ممکن است یک استفاده کننده بر اساس یک نیاز سطحی و پیش پا افتاده ای وارد بازار شود و شروع به استفاده از گزارشات کند اگر او را با افشای خیلی زیاد مواجه کنیم شاید همان میزان تسلط یا درک کمی هم که دارد از دست بدهد.

توجه به نوع صنعت: از نظر خبرگان، نوع صنعت هم می تواند به عنوان شاخص کیفیت افشا در نظر گرفته شود. اگر قرار باشد در یک صنعت مشخص افشای اختیاری انجام شود، قاعدتاً باتوجه به آن صنعت، ادبیات افشا، میزان حجم افشا و مقدمه چینی آن متفاوت خواهد بود. همچنین می توان گفت نوع صنعت یک شاخص ارائه اطلاعات با کیفیت است و باتوجه به نوع صنعت، استفاده کنندگان آن هم متفاوت هستند. ما استفاده کنندگان مختلفی داریم که نیازهای اطلاعاتی آنها بسیار بسیار متنوع است و هر کدام از زاویه نیاز خودشان به اطلاعات نگاه می کنند و بعضی از نیازهای آنها با هم متناقض است و باید به آنها توجه شود.

دارا بودن ویژگی کیفی اطلاعات

تم اصلی دارا بودن ویژگی های کیفی اطلاعات شامل تم های فرعی، مربوط بودن و قابل اتکا بودن؛ تایید کنندگی و پیش بینی کنندگی اطلاعات است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

مقایسه ای ارائه شود برای تحلیل گرانی که سهام دار هستند مفید خواهد بود. این اطلاعات در گزارش فعالیت هیأت مدیره و گزارش تفضیلی مدیریت می آید. اطلاعات مقایسه ای با شرکت‌های مشابه و سایر شرکت‌های فعال در صنعت، علاوه بر رایحه معیاری برای ارزیابی عملکرد گذشته شرکت، می تواند توانایی شرکت در مواجهه با چالش های صنعت و اقتصاد را در مقایسه با سایر شرکت‌های مشابه نشان دهد.

ارائه عملکرد با توجه به اهداف پیش بینی شده گذشته: از نظر خبرگان، ارائه اطلاعات مقایسه ای در مورد موضوع افشاء، نسبت به وضعیت گذشته شرکت و میزان پیشرفت یا پسرفت در طی بازه های زمانی مختلف را می توان به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت افشا در نظر گرفت اما بدون تحلیل و بدون در نظر گرفتن تحلیل ریسک این اطلاعات مقایسه ای به کار نمی آید، چون در اطلاعات مقایسه ای باید دنبال دلایل انحرافات باشیم و این دلایل را باید بتوان به تحلیل نقاط قوت و ضعف و تحلیل ریسک شرکت وصل کرد. مقایسه با بودجه، مقایسه با وضعیت گذشته شرکت و مقایسه با صنعت این سه، جزء فاکتورهای اساسی و رسیدگی های تحلیلی است که می توانیم در بخش تجزیه و تحلیل عملکرد شرکت بگذاریم و در نهایت به تحلیل ریسک شرکت متصل کنیم. که همه این ها در گزارش تفضیلی مدیریت باید افشا گردد. رایحه اطلاعات مقایسه ای با عملکرد گذشته شرکت می تواند معیاری برای ارزیابی توانایی مدیریت در عبور از چالش های اقتصاد و صنعت باشد، همچنین ارائه اطلاعات مقایسه ای به شرط داشتن سنخیت باعث افزایش کیفیت افشا می شود چون اطلاعات فی نفسه بار اطلاعاتی ندارند اما وقتی آنها را مقایسه می کنیم معنا پیدا می کند. ارائه اطلاعات مقایسه ای اگر شرایط اقتصادی کشور ثابت و مساوی باشد، می تواند بر کیفیت افشاء اثر بگذارد اما در شرایط تورمی و بحرانی نمی توان این مقایسه را انجام داد.

ارائه آماره های غیرمالی

تم اصلی ارائه آماره های غیرمالی شامل تم های فرعی، اطلاعات منابع انسانی و تشریح مشتری؛ اطلاعات مربوط به گزارشگری پایدار است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

اطلاعات منابع انسانی و تشریح مشتری: از نظر خبرگان، وزن آماره های غیرمالی در صورتهای مالی و گزارشگری در جاهای مختلف در همه جای دنیا زیاد شده و بخش عمده ای از گزارشگری را به خودش اختصاص می دهد. اگر ما بتوانیم، اطلاعات ضمیمه مانند وضعیت پرسنل، وضعیت کنترل های داخلی شرکت، وضعیت سهام شرکت، قیمت سهام، بازدهی

مربوط بودن و قابل اتکا بودن: از نظر خبرگان، دارا بودن ویژگی های کیفی اطلاعات یعنی قابل اتکا بودن و مربوط بودن مختص اطلاعات اجباری نیست بلکه شامل اطلاعات اختیاری هم می شود. فرض ما بر این است که این ویژگی ها در افشاهای اختیاری وجود دارد و حسابرسان هم در مورد اطلاعات اختیاری اظهارنظر نمی کند و بحث پیش بینی ها و به موقع بودن که از شاخصه های مربوط بودن است در بحث افشاهای اختیاری از اهمیت زیادی برخوردار است. افشای اطلاعات یعنی دادن تمام اطلاعات لازم برای تصمیم گیری. اطلاعات، ورودی فرآیند تصمیم گیری است. اطلاعات که وارد مدل تصمیم گیری می شود باید دارای ویژگی های کیفی باشد یعنی باید مربوط و قابل اتکا باشد. افشای اطلاعات چه اجباری و چه اختیاری باید طوری باشد که وقتی استفاده کننده به آنها مراجعه می کند بتواند تصمیم گیری درستی کند مثل اطلاعات سرمایه منابع انسانی، سرمایه فکری یا اطلاعات حسابداری سبز و اطلاعات حسابداری محیط زیست جزء اطلاعات اختیاری هستند. اطلاعات اختیاری زمانی خوب است و به نحو مطلوبی افشای اختیاری صورت گرفته که اطلاعات مربوط و قابل اتکایی را به استفاده کننده ارائه دهد.

تأیید کنندگی و پیش بینی کنندگی اطلاعات: از نظر خبرگان، اگر اطلاعاتی که ارائه می دهید خاصیت تأییدکنندگی و ارزش پیش بینی کنندگی داشته باشد قابل قبول است، ارزش پیش بینی کنندگی و تأیید کنندگی از ویژگی های مربوط بودن اطلاعات است، که یا اطلاعات را تأیید می کند و یا آینده را به تصویر می کشد و به استفاده کنندگان در تصمیم گیری کمک می کنند. در واقع در اطلاعات اختیاری ما می توانیم علاوه بر اطلاعات پیش بینی، اطلاعات تأییدی هم داشته باشیم که بتواند کمک کند. بنابراین تأییدکنندگی و پیش بینی کنندگی اطلاعات به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت افشای اختیاری در نظر گرفته می شود.

ارائه اطلاعات مقایسه ای

تم اصلی ارائه اطلاعات مقایسه ای شامل تم های فرعی، ارائه اطلاعات مقایسه ای با شرکت های مشابه و فعال در صنعت؛ ارائه عملکرد با توجه به اهداف پیش بینی شده گذشته است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

ارائه اطلاعات مقایسه ای با شرکت های مشابه و فعال در صنعت: از نظر خبرگان، ارائه اطلاعات مقایسه ای در مورد موضوع افشا نسبت به شرکت های مشابه و فعال در صنعت و یا استانداردهای جهانی و داخلی و اطلاعات مشابه آن می تواند باعث افزایش کیفیت افشای اطلاعات شود. قطعاً اگر اطلاعات

مخارج را هم بسنجیم، چون این اطلاعات برای شرکت هزینه دارد و همین طور که می دانیم اطلاعات یک کالای عمومی است و هزینه بر بودن آن در میزان افشای آن موثر است و شرکتها سعی می کنند کمتر اطلاعات بدهند تا هزینه کمتری متحمل شوند.

تحلیل نقاط ضعف و قدرت: از نظر خبرگان، توانایی ها، پتانسیل ها و نقاط قوتی که شرکت ها دارند و اکثراً بخاطر مسائل رقابتی و برنامه های استراتژیک خود ممکن است نخواهند اعلام کنند، جایی برای آنها در صورتهای مالی یا گزارشات هیأت مدیره وجود ندارد. بهتر است که برای شرکت ها بخشی با عنوان (تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قدرت) گنجانده شود که معمولاً در این رابطه اطلاعاتی داده نمی شود و حتی گاهی عمداً داده نمی شود.

ارائه اطلاعات آتی

تم اصلی ارائه اطلاعات آتی شامل تم های فرعی، بیان اهداف و چشم انداز و استراتژی؛ بیان رسالت و مأموریت شرکت است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

بیان اهداف و چشم انداز و استراتژی: از نظر خبرگان، بیان اهداف و چشم اندازهای مدیریت در خصوص موضوع مورد نظر و ارائه دید میان مدت و بلند مدت در افشای موضوع می تواند به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت افشاء مد نظر قرار گیرد. بخاطر اینکه اطلاعات صورتهای مالی گذشته نگر است و رویدادهایی که در گذشته اتفاق افتاده را ارائه می کند ولی زمانیکه بتوان این ها را به اهداف و برنامه های مدیریت وصل کرد تا جائیکه بحث محرمانگی و محدودیت های افشاء وارد نباشد قطعاً ارائه برنامه های آتی می تواند به سهام داران کمک کند تا بدانند مدیریت در مورد آینده شرکت چه برنامه ای دارد و اگر این برنامه ها را ارائه ندهند ممکن است سرمایه گذار پیش فرض هایی در ذهنش ایجاد شود و آن پیش فرض ها می تواند منجر به تصمیم گیری اشتباه در سرمایه گذاری گردد. بیان برنامه های آتی و پیش بینی های مدیریت در گزارش های تفضیلی پیش بینی شده است و آنجا مطرح می شوند. بخاطر اینکه بازار سرمایه، بازار آینده نگری است بازار سرمایه دوست دارد در مورد آینده بیشتر بداند و این فشاری که وجود دارد، بنابراین قطعاً بازار سرمایه بخاطر نیازی که به اطلاعات افشاء شده آتی دارد این یکی از مهم ترین شاخص های افشای اطلاعات است. پیش بینی ها مربوط به بحث افشای اختیاری می باشد و تحلیل دستیابی به آنها می تواند مؤثر باشد. این مورد همچنین در مقوله حاکمیت شرکتی هم می گنجد آنجا هم شرکتها باید چشم اندازشان را نسبت به آینده اعلام کنند، اهداف و چشم

سهام، اطلاعاتی را در این خصوص افشا کنیم، همچنین اطلاعاتی در خصوص جلسات تیم حسابرسی و افشاء شدن آنها، تعداد جلساتی که حسابرس برای اجرای یک کار می گذارد افشا کنیم می تواند در کیفیت افشاء مؤثر باشد. اما اکثراً اطلاعات آنها در دسترس نیست.

اطلاعات مربوط به گزارشگری پایدار: از نظر خبرگان، آماره های غیرمالی بخش عمده ای از گزارشگری را به خودش اختصاص می دهد. به لحاظ تئوری، افشای مالی به تنهایی کفایت نمی کند و بیشتر بحث های مربوط به افشاهای اختیاری مربوط به افشای غیر مالی است. یکی از آنها بحث گزارشگری پایدار است که شرکت ها باید روی موارد حاکمیت شرکتی، محیطی و اقتصادی، گزارش اطلاعات داشته باشند، که آن در گزارشگری سنتی وجود ندارد. یا یکسری الزام قانونی در جاهای دیگر وجود دارد که ملزم هستید این کار را انجام دهید، مثلاً الزامات مربوط به محیط زیست که شما را ملزم می کند که افشاهایی را در این حوزه داشته باشید، بحث های اجتماعی، بحث های اقتصادی و از این موارد که برای جامعه ای که در آن درحال انجام فعالیت هستید چه سودمند ای دارد که این موارد در گزارشگری که متداول هست جواب نمی دهد. ما حتی می توانیم چارچوب های مختلف برای صنایع مختلف داشته باشیم، بحث گزارشگری پایداری که بحث جدیدی است می تواند چارچوب جامعی در مورد افشای اختیاری به ما بدهد.

ارائه اطلاعات تحلیلی

تم اصلی ارائه اطلاعات تحلیلی شامل تم های فرعی، تحلیل ریسک شرکت و وضعیت بازار؛ تحلیل نقاط ضعف و قدرت است. شرح تم های یاد شده در ادامه آمده است.

تحلیل ریسک شرکت و وضعیت بازار: از نظر خبرگان، انجام بحث های تحلیلی بخصوص تحلیل ریسک بحث عمده افشاهای اختیاری هستند. از جمله اطلاعات تحلیلی شامل تحلیل ریسک (ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری)، تحلیل های حساسیت، تحلیل های وضعیت بازار و هر اطلاعات دیگری که مربوط به تحلیل های ریسک شرکت است، اطلاعات اختیاری استراتژیک را در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد که بخشی از آن در گزارش تفضیلی گنجانده شده است و همینطور در صورت های مالی نمونه جدید گنجانده شده است ولی در صورت های مالی بانک ها و شرکت های بیمه بسط داده شده است و برای آن ها الزام وجود دارد. سنجش ریسک و مقایسه آنها با سایر ریسک های شرکت و یا با ریسک شرکتهای دیگر و ارائه راهکار در مورد کاهش ریسک شرکت در گزارشات تحلیلی حتماً باید بیان شود. البته به شرطی که فزونی منافع بر

اندازها اولین چیز است که هر تحلیلگر و هر استفاده کننده ای نیاز دارد در مورد آن مطلع شود.

بیان رسالت و مأموریت: از نظر خبرگان، باید رسالت و مأموریت شرکت بطور روشن بیان شود، حالا می تواند در قالب گزارشات مالی اما بطور اختیاری بیان شود یا در قالب گزارشان هیأت مدیره می تواند باشد. معمولاً شرکت هایی که مدیریت استراتژیک دارند، رسالت سازمانی شان را تعیین می کنند، افق دید و چشم انداز شان را مشخص می کنند و براساس آن، اهداف و برنامه های خود را می چینند، افشای با کیفیت تری خواهند داشت.

پیامدهای استفاده از مدل

از نظر خبرگان، ارزیابی کیفیت افشای اختیاری با مدل پژوهشی حاضر پیامدهای زیر را در پی دارد:

- الف- افزایش انگیزه مدیران مالی و اعضای هیأت مدیره جهت افشای اختیاری با کیفیت تر
- ب- کاهش احتمال افشای اطلاعات اختیاری نامربوط و اضافی
- ج- افزایش اعتماد سرمایه گذاران و استفاده کنندگان اطلاعات به افشای اختیاری
- د- کاهش ابهامات و سوالات ایجاد شده پس از مطالعه افشای اطلاعات اختیاری
- ه- کاهش ریسک ناشی از افشای ناکافی و یا افشای با کیفیت پایین

پیش فرض ها و محدودیت های استفاده از مدل

نظر خبرگان در خصوص پیش فرض ها و محدودیت های استفاده از مدل به شرح زیر است:

پیش فرض های مدل

- الف- ترکیب هیأت مدیره ها در افزایش کیفیت افشا تاثیرگذار است، هیأت مدیره هایی که اعضای مستقل (غیر موظف) دارند تمایل بیشتری به افشا دارند.
- ب- اندازه شرکت می تواند نقش محوری در کیفیت افشا بازی کند. شرکت های بزرگ از سیاست های افشای خود منافع بیشتری در مقایسه با شرکت های کوچک بدست می آورند و این باعث افشای بیشتر شرکت های بزرگ نسبت به شرکت های کوچک می گردد.
- پ- در جهت تدوین مدل ارزیابی کیفیت افشای اختیاری در درجه اول به استفاده کنندگان اطلاعات و منافع آنها توجه گردیده است و هدف ما افشای اطلاعات جهت سودمندی تصمیم گیرندگان است.

ت- ابزارهای افشای اختیاری شامل گزارش فعالیت هیأت مدیره، گزارش تفصیلی مدیریت، گزارش کنترل داخلی، افشای فوری در سایت کدال می باشد.

ث- هیچگونه محدودیتی در افشای اطلاعات اختیاری مازاد بر آنچه بورس در نمونه اولیه گزارش ها در نظر گرفته است، وجود ندارد.

ج- فرض ما بر این است که مدیریت آدم منطقی است و با در نظر گرفتن تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان و رویکرد اخلاقی اقدام به افشای اختیاری می نماید، بنابراین مدیران برای افشای اختیاری با یکسری فشارها و محرک ها روبرو هستند.

محدودیت های استفاده از مدل

الف- وجود بحث محرمانگی و محدودیت های افشای برخی از اطلاعات در مورد اهداف و برنامه های آتی شرکت

ب- در ارزیابی عملکرد که یکی از شاخص های ارزیابی کیفیت افشا است اگر بهای تمام شده تاریخی مبنا قرار داده شود، پاسخ درستی دریافت نخواهد شد.

پ- اقدام به افشای اختیاری در محتوای گزارش الزامی مثل گزارش هیأت مدیره توجیه پذیر نیست و قدرت مانور زیادی ندارد و باید همه ابزارهای افشای اختیاری مدنظر قرار گیرد.

ت- اطلاعات یک کالای عمومی است و با توجه به هزینه بر بودن تهیه و افشای آن، شرکتها سعی بر این دارند کمتر اطلاعات بدهند تا هزینه کمتری متحمل شوند.

ث- هیچ مدیری حاضر نیست موقعیت شرکت را بخاطر افشای بیشتر اطلاعات اختیاری و نکاتی که یک محقق به آن رسیده است به خطر بیندازد.

عوامل محیطی موثر بر مدل

عوامل محیطی موثر بر مدل پژوهشی که از متون مصاحبه استخراج شده است به شرح زیر است:

الف- در ایران فرهنگ پنهان کاری وجود دارد و شرکتها تمایل ندارند اطلاعات شان را افشا کنند.

ب- افشا زمانی معنا پیدا می کند که تامین مالی شرکت ها در بازار سرمایه باشد. در کشوری مثل ایران که تقریباً بیشتر سرمایه گذاری ها نه مبتنی بر بازار سرمایه بلکه بر بازار بورس است، نباید خیلی انتظار داشت که شرکت ها افشای اختیاری داشته باشند.

پ- خارج شدن برخی از شرکتها از لیست شرکت های پذیرفته شده در بورس به دلیل شفافیتی که سازمان

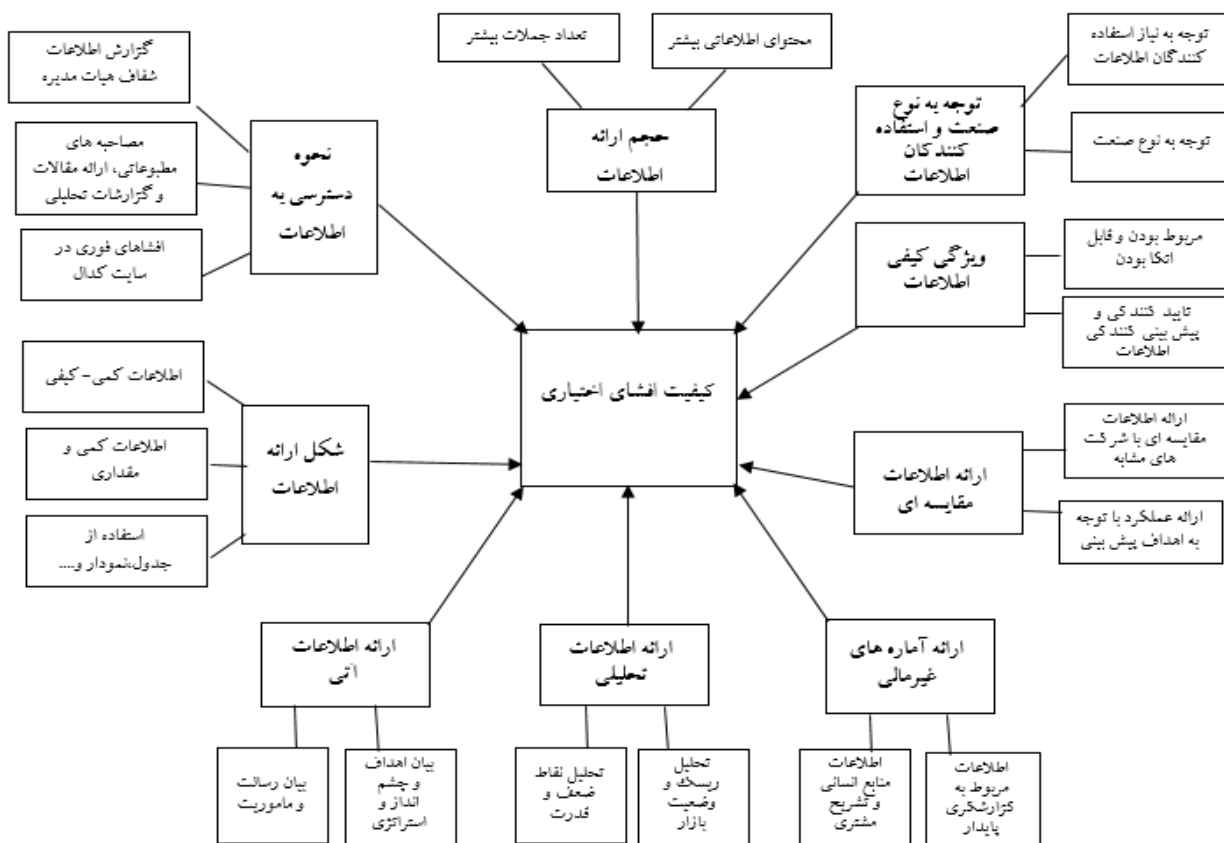
برای ارزیابی اعتبار و پایایی مدل در انتخاب مصاحبه شوندهگان دقت شده است تا تجربه کافی را داشته باشند. از اشباع داده ها اطمینان حاصل شده و نتایج پژوهش با چند فرد خبره مرور شده است. مصاحبه ها ضبط شده و با دقت تبدیل به متن شده اند. کدگذاری داده ها نشان داد که داده ها به اندازه کافی تکرار شده اند. بیشتر عوامل موثر بر کیفیت افشای اختیاری شرکت ها که در این پژوهش شناسایی شده اند، در پژوهش های قبلی نیز شناسایی شده اند.

بورس از آن ها می خواهد نشان از فضای عدم رغبت بر افشاهای اختیاری در ایران می دهد.

۶- مدل مفهومی

در نهایت مدل مفهومی استخراج شده که شامل مؤلفه های مؤثر بر کیفیت افشای اختیاری است به صورت نمودار ۱ نشان داده شده است.

همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می شود مدل مفهومی استخراج شده شامل ۱۰ بخش اصلی است. که ۹ بخش تم های اصلی و دیگری کیفیت افشای اختیاری می باشد.



نمودار(۱): مدل مفهومی کیفیت افشای اختیاری

بهتر است ترکیبی از هر دو نوع اطلاعات (کمی و کیفی) مورد استفاده قرار بگیرد. نوع نگارش گزارش هیأت مدیره و دیگر افشاهای اختیاری مثل استفاده از نقاشی، جدول یا شرح نوشته یا تیتربندی ها، یا کاما گذاشتن همه آنها محتوای اطلاعاتی دارد و می تواند توجه استفاده کننده را به خود جلب کند و در اندازه گیری کیفیت افشای اختیاری تأثیر دارد. توجه به نیاز

۷- نتیجه گیری

هدف این پژوهش، ارائه مدلی مفهومی جهت ارزیابی کیفیت افشای اختیاری شرکت ها با توجه به ویژگی های محیطی و شرایط کشور بوده است. تحلیل نتایج پژوهش نشان داد برای افزایش قابلیت درک اطلاعات برای استفاده کنندگان، صرفاً بکارگیری اعداد و یا توضیحات کمی کفایت نمی کند و

استفاده کننده اطلاعات و هم خبرگی که استفاده کننده دارد در کیفیت افشا موثر است، البته این درمورد استفاده کننده ای که به عنوان یک تحلیلگر از اطلاعات استفاده می کند درست است. نوع صنعت می تواند به عنوان شاخص کیفیت افشا در نظر گرفته شود، زیرا با توجه به نوع صنعت، ادبیات افشا، میزان حجم افشا متفاوت خواهد بود. ویژگی های کیفی اطلاعات یعنی قابل اتکا بودن و مربوط بودن مختص اطلاعات اجباری نیست بلکه شامل اطلاعات اختیاری هم می شود. بحث پیش بینی ها و به موقع بودن که از شاخصه های مربوط بودن است در افشاهای اختیاری از اهمیت زیادی برخوردار است. در ارائه اطلاعات مقایسه ای اگر شرایط اقتصادی کشور ثابت و مساوی باشد، می تواند بر کیفیت افشاء اثر بگذارد اما در شرایط تورمی و بحرانی نمی توان این مقایسه را انجام داد. آماره های غیرمالی بخش عمده ای از گزارشگری را به خودش اختصاص می دهد. به لحاظ تئوری، افشای مالی به تنهایی کفایت نمی کند و بیشتر بحث های مربوط به افشاهای اختیاری مربوط به افشای غیر مالی است. بخاطر اینکه بازار سرمایه، بازار آینده نگری است، بازار سرمایه دوست دارد در مورد آینده بیشتر بداند و این فشاری که وجود دارد، بنابراین قطعاً بازار سرمایه بخاطر نیازی که به اطلاعات افشاء شده آتی دارد این یکی از مهم ترین شاخص های افشای اطلاعات است. شرکت هایی که مدیریت استراتژیک دارند، رسالت سازمانی شان را تعیین می کنند و افق دید و چشم انداز شان را مشخص می کنند و براساس آن، اهداف و برنامه های خود را می چینند، افشای با کیفیت تری خواهند داشت. حجم افشای بیشتر لزوماً به معنی کیفیت افشا نیست. محتوای اطلاعات در کنار حجم اطلاعات می تواند به عنوان شاخص ارزیابی کیفیت افشا در نظر گرفته شود. لیو و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق خود برای ارائه مدل افشای اطلاعات داوطلبانه از باورهای ناهمگن کارکنان داخل شرکت نسبت به افراد بیرونی استفاده کردند در حالی که در تحقیق حاضر از معیارهای داخلی اطلاعاتی (حاصل شده از روش تحلیل تم) استفاده شد. رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان محرک های افشای اختیاری در بازار سرمایه به بررسی ویژگی های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذینفعان به عنوان محرک های افشای اختیاری از روش مدلسازی معادلات ساختاری پرداختند. که از تفاوت های تحقیق حاضر نسبت به آن می توان استفاده از شاخصهای مبتنی بر اطلاعات برای مدلسازی کیفی نام برد. کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۸) برای بررسی عوامل کیفیت افشای اختیاری از چک لیست بوتوسان استفاده نمود ولی در تحقیق حاضر از معیارهای داخلی اطلاعاتی (حاصل شده از روش تحلیل تم)

استفاده شده که طیف وسیعتری از عوامل را در بر می گرفت. همچنین به محققین پیشنهاد می گردد در تحقیقات آتی از مدلسازی شبکه عصبی توسط هوش مصنوعی برای تدوین مدل ارزیابی کیفیت افشای اختیاری استفاده کنند.

فهرست منابع

- * اسمعیل زاده مقری، علی و احمد شعر بافی، مهرداد. (۱۳۸۹). "افشای اطلاعات اختیاری و ارتباط آن با نرخ بازده سهام در شرکتهای سرمایه گذاری"، مطالعات کمی در مدیریت، ۳، ۶۹-۸۲.
- * اعتمادی، حسین و خلیل پور، مهدی. (۱۳۹۱). "ارزیابی کیفیت افشاء اطلاعاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از رویکرد فازی"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱(۲)، ۱۱۵-۱۲۲.
- * پارسیان، حسین؛ کاظمی، حسین و رضا زاده، جواد. (۱۳۹۷). "شناسایی مولفه های افشای داوطلبانه بین نظام راهبری شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران"، اقتصاد مالی، ۱۲(۴۳)، ۱۰۷-۱۳۲.
- * خدادادی، ولی و بنایی قدیم، رحیم. (۱۳۹۴). "افشاء و مدل های آن"، مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴(۱۶)، ۴۰-۵۳.
- * خواجوی، شکر الله و علیزاده طلاتپه، وحید. (۱۳۹۳). "بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱(۲)، ۱۱۵-۱۳۲.
- * خواجوی، شکرالله؛ فتحه، محمدحسین و نجفی، زهرا. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه ی بین کیفیت افشای اطلاعات و هزینه های نمایندگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، ۳۷(۱۸)، ۶۷-۹۰.
- * رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۳). "مروری بر ادبیات افشای اطلاعات در ایران"، پژوهش حسابداری، ۴(۴)، ۳۵-۶۸.
- * غلامی جمکرانی، رضا و بختیاری، مسعود. (۱۳۹۶). "افشاء و مدل های آن"، مطالعات مدیریت و حسابداری، ۳(۳)، ۶۷-۷۶.
- * فروغی، داریوش؛ امیری، هادی و میرزایی، منوچهر. (۱۳۹۰). "تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده در

- * Botosan, C. and Plumle, M. (2002). "Are-examination of disclosure level and the expected cost of equity capital", *Journal of accounting Research*, 40, 21-40.
- * Beyer, A., Cohen, D.A., Lys, T.Z. and Walther, B.R. (2010). "The Financial Reporting Environment: Review of the Recent Literature", *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 296-343.
- * Chen, S., Miao, B. and Shevlin, T.J. (2015). "A New Measure of Disclosure Quality: The Level of Disaggregation of Accounting Data in Annual Reports", *Journal of Accounting Research*, 53(5), PP. 27-41.
- * Copeland, R.M. and Fredricks, W. (1968). "Extent of Disclosure", *Journal of Accounting Research*, 6, 106-113.
- * Cooke, T.E. (1989). "Voluntary corporate disclosure by Swedish companies", *Journal of International Financial Management and Accounting*, 1, 171-195.
- * Core, J. (2001). "A review of the empirical disclosure literature: discussion", *Journal of Accounting and Economics*, 31, 441-456.
- * Dambra, M., Schonberger, B. and Wasley, C.E. (2019). "Voluntary Disclosure and Earnings Asymmetric Timeliness", *Simon Business School Working Paper No. FR 16-04*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2811265>.
- * Gantowati, E. and Nur Fitria, A. (2020). "Influence of Ownership Structure And Board Activity To Voluntary Disclosure For Manufacturing Companies In Indonesian Stock Exchange", *Conference In Business, Accounting, And Management (CBAM)*.
- * Healy, P.M. and Palepu, K.G. (2001). "Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature", *Journal of Accounting and Economics*, 31: 405-440.
- * Hendriksen, E.S. and Van Breda, M.F. (1992). "Accounting Theory", 5th edition. United States of America: IRWIN. Inc.
- * Hoang, T., Pham, H., Ramiah, V., Moosa, I. and VinhL, D. (2020). "The effects of information disclosure regulation on stock markets: Evidence from Vietnam", *Research in International Business and Finance*, 51, 101082.
- * Ho, P. and Taylor, G. (2013). "Corporate governance and different types of voluntary disclosure", *Pacific Accounting Review*, 25 (1), 4-29.
- * John, K. and Ronen, J. (1990). "Information structures, optimal contracts and the theory of the firm", *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 5 (1), 61-95.
- * Karamanou, I. and Vafeas, N. (2005). "The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: An empirical analysis", *Journal of accounting research*, 43(3), 453-486.
- * Kim, J.B., Zhang, L. (2016). "CEO overconfidence and stock price crash risk", *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 78-114.
- بورس اوراق بهادار تهران". پژوهش های حسابداری مالی، ۴۳(۴)، ۱۵-۴۰.
- * کاشانی پور، محمد؛ رحمانی، علی و پارچینی پارچین، سید مهدی. (۱۳۸۸). "رابطه بین افشای اطلاعات اختیاری و اعضای غیر موظف هیات مدیره"، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶(۵۷)، ۸۵-۱۰۰.
- * کاشانی پور، محمد؛ کریمی، حسن و کریمی، ولی الله. (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری"، *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۴(۲)، ۱۶۷-۱۸۶.
- * کردستانی، غلامرضا؛ بهرامفر، نقی و امیری، علی. (۱۳۹۸). "تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی"، *پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱(۴۲)، ۱۵۹-۱۷۸.
- * ولی پور، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله و احمدی، رضا. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر سطح افشای اختیاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۲۱. ۷۱-۸۱.
- * Ajinkya, B., Bhojraj, S. and Sengupta, P. (2005). "The Association between Outside Directors, Institutional Investors and the Properties of Management Earnings Forecasts", *Journal of Accounting Research*, 43(3), 343-376.
- * Alves, H.S., Canadas, N. and Rodrigues, A.M. (2015). "Voluntary disclosure, information asymmetry and the perception of governance quality: An analysis using a structural equation model", *Tékhné*, 13(1), 66-79.
- * Baek, H.Y., Johnson, D.R. and Kim, J.W. (2009). "Managerial ownership, corporate governance, and voluntary disclosure", *The Journal of Business and Economic Studies*, 15(2), 44.
- * Berger, P. and Hann, R. (2007). "Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosures", *The Accounting Review*, 82, 869-902.
- * Beretta, S. and Bozzolan, S. (2004). "Quality versus Quantity: The Case of Forward-Looking Disclosure", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 23(3), pp. 333-375.
- * Binh, T.Q. (2012). "Voluntary Disclosure Information in the Annual Reports of Non-Financial Listed Companies: The Case of Vietnam", *Journal of Applied Economics and Business Research JAEBR*, 2(2): 69-90.
- * Boesso, G. and Kumar, K. (2007). "Drivers of corporate voluntary disclosure: A framework and empirical evidence from Italy and the United States", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 20(2), pp. 269 - 296.
- * Botosan, C.A. (1997). "Disclosure Level and the Cost of Equity Capital", *The Accounting Review*, 72, 323-349.

یادداشت‌ها

- ¹ Boesso and Kumar
- ² Meek et al
- ³ Kristandl and Bontis
- ⁴ Sukthomya
- ⁵ Varghese
- ⁶ Binh
- ⁷ Botosan
- ⁸ Capital need theory
- ⁹ Beretta and Bozzolan
- ¹⁰ Copeland and Fredricks
- ¹¹ Cooke
- ¹² Beretta and Bozzolan
- ¹³ Baek et al
- ¹⁴ Karamanou and Vafeas
- ¹⁵ Ajinkya et al
- ¹⁶ Botosan and Plumle
- ¹⁷ Healy and Palepu
- ¹⁸ Shehata
- ¹⁹ Beyer et al
- ²⁰ Berger and Hann
- ²¹ Gantowati and Nur Fitria
- ²² Hoang et al
- ²³ Dambra et al
- ²⁴ Liu et al
- ²⁵ Sihombing and Pangaribuan
- ²⁶ Alves et al
- ²⁷ Chen et al
- ²⁸ Satta et al
- ²⁹ Ho and Taylor
- ³⁰ saturation
- ³¹ themes

- * Kothari, S.P., Shu, S. and Wysocki, P.D. (2009). "Do Managers Withhold Bad News?", *Journal of Accounting Research*, (47), 241-276.
- * Kristandl, G. and Bontis, N. (2007). "The impact of voluntary disclosure on cost of equity capital estimates in a temporal setting", *Journal of Intellectual Capital*, 8(4), 577-594.
- * Liu, X., Liu, S., Lu, L., Shi, Y. and Xiong, X. (2019). "Voluntary Information Disclosure with Heterogeneous Beliefs", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3379412>.
- * Meek, G.K., Roberts, C.B. and Gray, S.J. (1995). "Factors influencing voluntary annual report disclosures by US, UK and continental European multinational corporations", *Journal of international business studies*, 26(3), 555-572.
- * Shehata, N.F. (2014). "Theories and Determinants of Voluntary Disclosure", *Accounting and Finance Research*, Vol. 3, No. 1.
- * Satta, G. Parola, F., Profumo, G. and Penco, L. (2015). "Corporate governance and the quality of voluntary disclosure: Evidence from medium-sized listed firms", *International Journal of Disclosure and Governance*, 12(1), 144-166.
- * Sihombing, J. and Pangaribuan, H. (2017). "A Study of Corporate Governance Structure, Disclosure and Information Asymmetry in Indonesia Banking Industry", *Jurnal Akuntansi*, 21(2), 156-169.
- * Sukthomya, D. (2011). The empirical evidence of voluntary disclosure in the annual reports of listed companies: the case of Thailand. Thesis of Doctor of Philosophy, the University of Nottingham.
- * Varghese, R. (2011). "Voluntary annual report disclosures of manufacturing companies in India and their linkages with organisational demographics", *South Asian journal of management: SAJM*. Hyderabad: AMDISA, 18(4), 23-43.
- * Yermack, D. (1997). "Good timing: CEO stock option awards and company news announcements", *Journal of Finance*, 52, 449-476.